کویت و عربستان درباره مالکیت ایران در میدان گازی مشترک «آرش» ادعای عجیبی مطرح کردند

زیاده‌خواهی در میدان گازی

شرق: میدان گازی مشترک بین ایران، عربستان و کویت همان ذخایر گازی عظیمی است که خبر اکتشاف آن در سال ۱۹۶۲ منتشر شد؛ اما از همان زمان اختلاف بر سر مرزهای آبی برای تعیین سهم کشورها از این میدان گازی شروع شد. این اختلاف موجب شد که اولین چاه اکتشافی ایران در این منطقه با اعتراض کویتی‌ها مواجه شود. آنها معتقد بودند که تا حدود مرزهای آبی روشن نشده، سه کشور در میدان گازی حفاری نکنند؛ اما عربستان و کویت برخلاف ایران، به‌سرعت عهد شکسته و در این میدان گازی مشغول حفاری شدند و حالا در شرایطی که ایران تقریبا هیچ کاری در این میدان گازی انجام نداده، عربستان و کویت نه‌تنها به‌سرعت طرح توسعه‌ای خود را در این میدان پیش می‌برند؛ بلکه به‌تازگی مدعی شده‌اند ایران در این میدان سهمی ندارد!

اختلاف بر سر مرزهای آبی

در سال ۱۹۶۲ میلادی خبر کشف ذخایر عظیم گازی در خلیج فارس منتشر شد؛ ذخایری که حجم آن تا ۶۰ هزار میلیارد فوت مکعب برآورد شده بود. این میدان مشترک بین ایران، کویت و عربستان بود و سمت ایرانی آن آرش و سمت عربی الدره نام گرفت.

اختلافات درباره مرز آبی این میدان از همان ابتدای کشف آن شروع شد. محمد آمره، کارشناس ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس، به «شرق» می‌گوید که پیش از انقلاب، مرزهای آبی بین ایران و عربستان به طور دقیق ترسیم شد و این مرزبندی دقیق به‌عنوان یکی از نمونه‌های موفق تعیین مرز آبی شناخته می‌شود؛ اما تعیین مرزهای آبی بین ایران، کویت و امارات از همان زمان دچار چالش جدی بود و ادعای امارات بر سر جزایر سه‌گانه ایرانی از همین‌جا نشئت می‌گیرد.

با این حال اکنون علاوه بر کویت، عربستان هم بر سر این مرزهای آبی دبه درآورده است؛ نکته‌ای که آمره آن را به امتیازخواهی تعبیر می‌کند و معتقد است که عربستان نمی‌تواند به لحاظ حقوقی آن مرزهای آبی را نادیده بگیرد.

با تمام این اوصاف ایران اولین چاه اکتشافی در میدان گازی آرش را در دولت اصلاحات حفاری کرد؛ اما با اعتراض شدید کویت مواجه شد. پس از سفر امیر کویت به ایران، محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری وقت، دستور توقف حفاری در میدان گازی آرش را صادر کرد.

کویت در آن سال‌ها با اطلاع از آغاز حفاری‌های اکتشافی، ایران را تهدید به شکایت در مراجع بین‌المللی کرد و خواهان این بود که ایران از هرگونه فعالیت تا زمان حصول نتیجه در تعیین مرز آبی خودداری کند و ایران هم فعالیت‌های اکتشافی و توسعه‌ای خود بر روی میدان آرش را متوقف کرد. خط‌ونشان کویت در حالی بود که این کشور از همان سال‌ها یعنی سال ۲۰۰۰ در طرحی مشترک با عربستان، فعالیت‌های اکتشافی و توسعه‌ای را روی میدان گازی آرش شروع کرده بود و اطلاعی به ایران نداده بود.

آغاز حفاری‌های اکتشافی در میدان مشترک از سوی عربستان و کویت در شرایطی رخ داده بود که توافق بر این بود که سه کشور تا زمان تعیین مرزهای آبی دست به اقدامی نزنند؛ اما آنها عهد شکسته و در میدان گازی آرش مشغول حفاری شده بودند. این اتفاق موجب شد که ایران هم اعلام کند که حفاری در میدان گازی آرش را از سر می‌گیرد. محسن خجسته‌مهر، مدیرعامل شرکت ملی نفت، فروردین سال گذشته به تسنیم گفته بود که «هم‌اکنون مطالعات اولیه و لرزه‌نگاری میدان مشترک آرش انجام شده و برنامه توسعه آن نیز در شرکت ملی نفت ایران مصوب شده که به‌زودی اجرائی می‌شود».

با این حال، حرف‌های ایران در حد وعده‌های پشت تریبون‌ها باقی ماند و چندی پیش هدایت‌اله خادمی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن شرکت‌های حفاری نفت و گاز ایران، به ایلنا گفته بود که «عربستان به میدان آرش ورود کرده و ما هم ساکت نشسته‌ایم؛ به طوری که به نظر می‌رسد میادین مشترک را به همسایگان واگذار کرده‌ایم». او توضیح داده بود که ایران میادین مختلفی ازجمله فرزاد B و A، آرش و فروزان را با عربستان مشترک است؛ اما این کشور به طور جدی این میادین را توسعه داده و برداشت داشته است. این در حالی است که اولین چاه‌های اکتشافی را هم ایران حفر کرده است؛ اما امروز عربستان برداشت بیشتری دارد و ایران کاری نکرده است. مثلا در فرزاد A عربستان برای استخراج برنامه‌ریزی دقیقی دارد و در فرزاد B ایران تنها یک دکل حفاری مستقر کرده بود که اکنون این دکل غیرفعال شده و به پهنه سرزمینی برگشته است؛ آن‌هم در شرایطی که عربستان تعداد بسیار زیادی دکل دریایی در این منطقه مستقر کرده است.

به گفته این مقام صنفی اگر ایران امسال برداشت از میادین آرش و فرزاد A و B را شروع نکند، این میادین دیگر قابل برداشت نیستند؛ چون توجیه اقتصادی خود را به دلیل اضافه‌برداشت عربستان از دست می‌دهند.

ادعای عجیب کویت و عربستان

اما حالا در ادعایی عجیب هم کویت و هم عربستان حق مالکیت ایران در میدان گازی آرش را به چالش کشیده‌اند.

به گزارش ایلنا از خبرگزاری رسمی کویت، سعد البراک، وزیر نفت کویت، بر مخالفت کامل کشور خود با ادعاها و اقدامات ایران در میدان گازی آرش تأکید کرد. او تأکید کرد که میدان الدره، ثروت طبیعی کویت و عربستان است و هیچ طرف دیگری تا زمانی که ترسیم مرزهای دریایی تعیین تکلیف نشده، در آن حقوقی ندارد.

وزیر نفت کویت افزود که از ادعاها و قصد ایران درباره میدان الدره که با ساده‌ترین قواعد روابط بین‌المللی در تعارض است، غافلگیر شدیم.

البراک تأکید کرد که کویت و عربستان کاملا بر سر اینکه یک طرف مذاکره باشند، توافق دارند.

پیش‌ازاین هم یک مقام مسئول در وزارت خارجه این کشور اعلام کرد که «منطقه دریایی که میدان گازی الدره در آن قرار دارد، در محدوده دریایی کشور کویت است و «منابع طبیعی آن بین کویت و عربستان مشترک است و دارای حقوق انحصاری در آن هستند».

درست به فاصله یک روز پس از ادعای عجیب کویت، یک منبع در وزارت خارجه عربستان هم در گفت‌وگو با خبرگزاری رسمی این کشور (واس) مدعی شد که میدان گازی الدره (آرش) حق مشترک عربستان و کویت است و تنها این دو کشور حق حاکمیت کامل بر آن را دارند. این منبع سعودی گفت که ریاض بار دیگر از ایران دعوت می‌کند که براساس قوانین بین‌المللی، مذاکرات درباره ترسیم مرزها در آن منطقه را آغاز کند.

این در حالی است که محمد ایرانی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در کویت، پیش‌ازاین در اظهاراتی گفته بود که ایران آماده ازسرگیری مذاکرات با کویت درباره میدان گازی الدره (آرش) است.

او در ادامه تأکید کرد حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران، به‌تازگی در تماسی تلفنی با احمد ناصر المحمد الصباح، همتای کویتی خود، در همین زمینه رایزنی کرده است.

ایرانی همچنین گفت که سخنگوی رسمی وزارت خارجه ایران نیز اعلام کرد که کشورمان آماده ازسرگیری مذاکرات با کویت است.

سفیر ایران در کویت گفت که روابط دوجانبه ایران و کویت در بهترین وضعیت است و این فضای مثبت زمینه را برای بحث و رایزنی درباره میدان گازی الدره و رسیدن به راه‌حل فراهم می‌کند.

وزارت امور خارجه عربستان پیش‌ازاین با انتشار بیانیه‌ای ادعاهای خود درباره میدان مشترک گازی الدره (آرش) را تکرار کرده و خواستار گفت‌وگو با ایران برای تعیین مرز شرقی این منطقه شده بود.

روز دوشنبه هم یک منبع مسئول در وزارت خارجه کویت در اظهاراتی گفت که از ایران می‌خواهیم مذاکرات درباره ترسیم مرزهای دریایی با عربستان و کویت را آغاز کند.

او در ادامه اظهارات خود به مسئله میدان مشترک گازی الدره (آرش) پرداخت و مدعی شد که این میدان گازی در مناطق دریایی کویت قرار دارد. عربستان سعودی و کویت پیش‌ازاین از ایران دعوت کردند برای مشخص‌شدن حد شرقی این منطقه فراساحلی مشترک، مذاکره کند و بر حق خود برای توسعه این میدان گازی تأکید کردند.

پیش‌ازاین وزیر انرژی عربستان سعودی گفت: ما به توسعه این میدان ادامه می‌دهیم. ما بیانیه عمومی مشترکی را صادر و ایران را تشویق کرده‌ایم اگر مدعی سهمی در این میدان است، پای میز مذاکره بیاید و این مسئله، یک ادعا مانده است.

او در ادامه تأکید کرده است که عربستان سعودی و کویت مایل هستند در هر مذاکره‌ای با یکدیگر کار کنند؛ زیرا منافع مشترکی در این منابع دارند.

میدان نفتی و گازی آرش یکی از میادین توسعه‌نیافته استراتژیک ایران است که مشترک با ناحیه بی‌طرف بین کویت و عربستان است. امتداد ساختمان میدان آرش در آب‌های ایران و ناحیه بی‌طرف بین کویت و عربستان، به میدان الدوراء کویت می‌رسد که از سال ۱۹۷۵ در حال بهره‌برداری است. طبق این مرز حدود ۴۰ درصد ساختمان نفتی و گازی موجود میدان آرش، در آب‌های ایران قرار دارد. سال‌ها پیش شرکت ملی نفت ایران به منظور تعیین میزان ذخایر درجا اقدام به حفر یک حلقه چاه اکتشافی (چاه شماره یک آرش) کرد که موقعیت این چاه نزدیک به خط مرزی مورد قبول کشورمان است. در ۱۲ سال گذشته کشور کویت با مستمسک قراردادن نتایج لرزه‌نگاری انجام‌شده از طرف شرکت شل برای این کشور، اقدام به تعریف خط مرزی جدید کرده که براساس این مرز کل ساختمان میدان آرش در بخش عربی میدان قرار می‌گیرد؛ اما این مرز هیچ‌گاه مورد پذیرش کشورمان قرار نگرفته است.

نبرد بقا - بخش دوم

هوش مصنوعی از دریچه «تئوری اقتصادی بازی‌ها»

سیدحسن مرتضوی‌کیاسری

در بخش نخست این یادداشت، ضمن مقایسه موضوع هوش مصنوعی با نتایج انقلاب صنعتی و اشاره به احتمال‌های آینده، به تأثیر هوش مصنوعی بر مشاغل پرداختیم. همچنین به لزوم استقبال از هوش مصنوعی و راهکارهای آن اشاره کردیم. به همان شیوه، در بخش دوم (بخش پایانی)، درباره تأثیر هوش مصنوعی در ناامنی رسانه‌ای و راهکارهای پیشنهادی سخن می‌گوییم.

۲) هوش مصنوعی و فضای رسانه‌ای - همان‌گونه که اختراع‌ها و اکتشاف‌های علمی، مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند؛ هوش مصنوعی هم از این موضوع در امان نیست. شبیه‌سازی صوتی، تصویری و ساخت محتوای جعلی (بدون تصریح ساختگی‌بودن آن) رایج‌ترین مسئله‌ای است که این روزها باعث نگرانی مردم شده است. جعل تولیدهای محتوا، نگرانی کارشناسان را هم در پی داشته است. به اندازه‌ای که پیش‌بینی می‌شود علت اصلی شورش‌ها و اعتراضات آینده، شایعه‌های مجازی خواهد بود.

ازاین‌رو جلوگیری از آسیب‌های محتوای رسانه‌ای جعلی، مورد توجه دولت‌ها، رسانه‌ها و شرکت‌های فعال در زمینه هوش مصنوعی است. امکانات تشخیص محتوای جعلی که آن‌هم مبتنی بر هوش مصنوعی است، وجود دارد که هنوز کاربرد آن همگانی نشده است.

پیش‌بینی می‌شود پس از دوران پربازدهی برای هوش مصنوعی در تولید محتوا، هوش مصنوعی مربوط به تشخیص محتوای جعلی تجاری شود. به‌طوری‌که هنگام بازدید از محتوای مجازی، این برنامه‌ها در گام نخست، اصل یا جعلی بودن آن را برای مخاطب مشخص می‌کنند.

تا آن زمان، به مخاطبان توصیه می‌شود در برخورد با محتوای مجازی، یک قاعده احتیاطی را در نظر داشته باشند: «هر محتوایی ممکن است جعلی باشد، مگر خلاف آن مشخص شود». دولت‌ها هم باید الزام‌ها و جرم‌انگاری‌های تازه مقرر کنند.

مثلا تولیدکنندگان و بازنشرکننده‌ها، ملزم به درج برچسب‌های «اصالت محتوا» یا «سرگرمی‌بودن محتوا» باشند.

پیشنهادهایی برای استقبال از هوش مصنوعی:

خوش‌بختانه استقبال مردم و متخصصان کشور از هوش مصنوعی مناسب است اما ورود به جهان آینده، نیازمند زمینه‌هایی است که ورود مردم و بخش خصوصی به این حوزه، انگیزش اقتصادی ندارد. نادیده‌گرفتن هوش مصنوعی از سوی دولت و فرار از آن، کشور را از قافله پیشرفت جهان عقب می‌اندازد.

ضرورت دارد دولت با شیوه‌های تخصصی، رابطه و تأثیر هوش مصنوعی بر شغل‌های گوناگون را بررسی و فهرست کند. همچنین شغل‌ها و فعالیت‌های با مزیت نسبی در آینده، مشخص شوند. این کار باعث می‌شود موج‌های ناشی از این تکنولوژی نوین مهار شود.

حمایت از سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی، حمایت‌های آموزشی و پژوهشی، حمایت توأم از تولید شبیه‌سازها و تشخیص‌دهنده محتوای جعلی، شناسایی بنگاه‌های پیشرو جهان در تولید هوش مصنوعی که مناسب برای سرمایه‌گذاری باشند، از دیگر کارهایی هستند که مستلزم دخالت دولت است.

بازتاب

هر پیشرفتی در راستای منافع ملی باعث شادمانی است

وزارت نفت در واکنش به گزارش «شادمانی برای دستاورد تکراری» که در تاریخ ۱۰ تیر امسال منتشر شد، نکاتی را ارسال کرده است که در ادامه می‌خوانید:

خبر جابه‌جایی سکوی فاز ۱۲ پارس جنوبی و انتقال آن به موقعیت فاز ۱۱ در موقعیت صفر مرزی میدان مشترک پارس جنوبی که گره ۲۰ساله برداشت از این فاز را باز کرده و از هفته‌های آتی با برداشت گاز از فاز ۱۱ پارس جنوبی ثروت ملی ایرانیان در این میدان مشترک با قطر را به ساحل ایران می‌رساند، هرقدر به زعم نویسنده گزارش ساده، ناچیز و تکراری باشد، برای آنان که دل در گرو پیشرفت و صیانت از منافع ملی دارند، خبری بزرگ، خوشحال‌کننده و امیدبخش است. اگر کسی اتفاقی که برای اولین بار در خاورمیانه افتاده و شاید اتفاقی که در جهان سابقه نداشته است یعنی انتقال سکوی گازی از یک موقعیت تقریبا مرده به موقعیت مرزی‌ترین و استراتژیک‌ترین بخش پارس جنوبی را یک اتفاق تکراری بداند، حتما باید به اطلاعات یا انصاف او شک کرد.

البته طبعا پذیرش ریسک چنین اقدامی جز از مدیران فنی و کارشناسان که در بدنه صنعت نفت رشد کرده‌اند، از کسی ساخته نیست و از مدیران سیاسی که نویسنده دل در گرو آنها دارد نمی‌توان انتظار داشت ریسک چنین عملیات منحصربه‌فرد و پیچیده‌ای را برای تحقق حداکثری منافع ملی بپذیرند تا برداشت از این فاز مرزی حداقل سه سال زودتر از موعد آغاز شود.

این میدان، معیار مهمی است برای فهم منافع کشور و جهاد برای تولید و صیانت از آن. دولت مردمی جناب آقای دکتر رئیسی، رئیس‌جمهور، با شعار «ایران قوی» به محض روی کار آمدن و در دست گرفتن سکان اداره کشور از شهریورماه ۱۴۰۰، درخصوص فاز ۱۱ پارس جنوبی که یکی از پروژه‌های رهاشده از سوی شرکت‌های بدعهد خارجی بود، مصمم شد تا در سریع‌ترین زمان برداشت از این فاز مرزی را ممکن سازد. امری که در کمتر از ۲۰ ماه با تدبیری که برای جابه‌جایی یکی از سکوهای فاز ۱۲ که تولید آن با افت مواجه شده بود و استقرار آن در نقطه صفر مرزی فاز ۱۱ با همه مخاطرات و فرازونشیب‌هایش، به ثمر نشست و اکنون شمارش معکوس برای برداشت گاز از فاز ۱۱ آغاز شده است. این را که چرا زمان حفاری چاه‌های این فاز طولانی‌تر بوده است، نویسنده گزارش بهتر است از مدیران دولت قبل که اتفاقا یار گرمابه و گلستان ایشان هستند پرس‌وجو کند. قرارداد حفاری چاه‌های فاز ۱۱ در دولت قبل بسته شده بود و بر اساس آن دکل جک‌آپ با قدرت پایین برای این کار انتخاب شده بود ولی هم‌اکنون با یک قرارداد جدید و به‌کارگیری یک سوپرریگ حفاری قدرتمند، سرعت حفاری چاه‌های این فاز افزایش قابل توجهی یافته و مطابق برنامه در حال پیشرفت است. طعنه نویسنده گزارش در مورد اینکه از سال ۹۲ تا ۹۸ سالی پنج سکوی گازی ساخته شده است را هنگامی می‌توان پذیرفت که چندین سکوی در شرف اتمام در سال‌های قبل از ۹۲ را به حساب دولت تدبیر و امید بگذاریم. بله در آن سال‌ها دولت وقت ثمره تلاش‌های دولت‌های قبل‌تر را تکمیل و «علی برکت‌الله» به نام خود سند می‌زد. دولت سیزدهم اتفاقا برخلاف سلف خود، قدردان زحمات مدیران و کارشناسان و پرسنل صنعت نفت در همه سال‌های گذشته است و اساسا وقتی پای منافع ملی در میان است حتی تلاش می‌کند ردی از خود نمایان نکند و اگر اخبار موفقیت‌های کشور را به آگاهی مردم شریف ایران می‌رساند، صرفا برای امیدبخشی و اعتمادآفرینی و تلاش برای ارائه تصویری از کارآمدی نظام اجرائی کشور نزد اذهان عمومی است. امری که با غفلت دولت قبل چنان ضرباتی خورده است که ترمیم آن به سال‌ها زمان نیاز دارد. وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت و همه دست‌اندرکاران فعال در فاز ۱۱ با شفافیت و راستی آنچه ماوقع بود را برای مردم روایت کردند. وزارت نفت بعد از پایان زمستان ۱۴۰۱ و با قبول ریسک جابه‌جایی یک سازه سه‌هزارو ۴۰۰ تنی و نصب و راه‌اندازی آن در فاز ۱۱ در کمترین زمان با هدف عملیاتی‌شدن تولید نهایی آن برای زمستان ۱۴۰۲ یک تصمیم شجاعانه و صددرصد در راستای منافع ملی گرفت. اینکه تولید گاز از فاز ۱۱ بعد از ۲۰ سال در شرف تحقق است، تکراری نیست، شعار نیست. اینکه سند تولید گاز از فاز ۱۱ به نام شرکت شرکت‌های خارجی صادر نشده باعث افتخار و خوشحالی است؛ زیرا آنها بر اساس محاسبات خودشان تصور می‌کردند «کار ایران تمام است» و اکنون می‌بینند که بن‌بست‌ها یکی‌یکی در حال گشوده‌شدن است.

یادداشت

تأثیر بازگشت سرمایه به ایران در رشد کارآفرینی

رضا زرنوخی
مدیرعامل صندوق توسعه تکنولوژی ایران

موضوع تأمین مالی برای کارآفرینی در ایران در چند سال گذشته مسئله بغرنجی شده که چند دلیل در آن دخیل است؛ نخست اینکه بخش دولتی و شبه‌دولتی که در سال‌های اخیر منابعی داشتند و به کارآفرینی کمک می‌کردند، تقریبا با فقر منابع مواجه شده‌اند و از تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان، استارت‌آپ‌ها و... کنار کشیده‌اند.

مسئله دوم، نوسانات اقتصادی، تورم و نرخ ارز بوده که باعث شده سرمایه‌گذاران فعال در حوزه کارآفرینی، این سرمایه را به بخش‌هایی که در مدت کوتاه بازدهی بیشتر دارند منتقل کنند و از کارآفرینی دور شوند.

اگرچه در داخل کشور تقاضای رو به رشد برای منابع را شاهدیم، اما چالش بزرگ‌تری به نام بازار وجود دارد. یعنی اگر منابعی برای کارآفرینی در ایران در حوزه‌هایی مانند خدمات، صنعت، بازرگانی، سلامت و کشاورزی در دسترس باشد، ظرفیت‌ها فراتر از بازار ایران است. ما نیاز به دسترسی به بازارهای بین‌المللی داریم. پس پول خارج از کشور چه از سوی ایرانیان خارج از کشور تأمین شود و چه از سمت منابع غیرایرانی مانند شرکت‌های سرمایه‌گذاری، ظرفیت مازاد تولیدی-خدماتی ایجاد می‌کند که باید به خارج صادر شود.

به همین دلیل این مسئله تبدیل به کلاف سردرگمی شده که صرفا با ورود پول حل نمی‌شود. باید بستر تعاملات بین‌المللی در زمینه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، انتقال تکنولوژی و به اشتراک گذاشتن بازار ایجاد شود. اگر این مسئله حل شود، تبادل پول و بانک هم فرصت برای جذب منابع خارج از کشور را فراهم می‌کند.

باید در نظر بگیریم که ایرانی‌های خارج از کشور غیر از کانال‌های رسمی و تبلیغات، اطلاعات خود را از داخل کشور و از طریق دوستان و شبکه‌هایی که دارند کسب می‌کنند و با این اطلاعات می‌دانند در چه حوزه‌هایی می‌توانند بازدهی و جابه‌جایی پول نقد داشته باشند.

حوزه کارآفرینی در مقایسه با حوزه‌های دیگر مانند بورس، بازار مسکن، معاملات ارز و... حوزه بلندمدت‌تری است و در آن مسئله خلاقیت، نوآوری و نیروی انسانی بسیار پررنگ است؛ بنابراین با حوزه‌های دیگر اقتصادی در میزان بازدهی و ریسک مقایسه می‌شود. ایرانیان خارج از کشور اگر ببینند که سرمایه‌های حداقلی موجود در کشور در فضای کارآفرینی تزریق می‌شود و ریسکی منطقی دارد، رغبت پیدا می‌کنند؛ ولی با ریسک‌های تجاری زیاد که معمولا به کسب‌وکارها وارد می‌شود، به‌خصوص در حوزه‌هایی مانند اقتصاد دیجیتال، آنها از سرمایه‌گذاری فاصله می‌گیرند.

اگر شرایط برای سرمایه‌گذار داخلی مناسب باشد، برای ایرانی خارج از کشور نیز مناسب است؛ ولی اگر شرایط برای سرمایه‌گذاران داخلی مناسب نباشد، جذابیتی برای ایرانیان خارج کشور هم وجود ندارد.

در سال‌های گذشته ما تجربه شرایط مناسب داخلی را داشته‌ایم؛ بخشی از توسعه اقتصاد دیجیتال ما در ۱۰ سال گذشته ناشی از ورود سرمایه‌های خارجی بوده که توسط تیم‌های ایرانی مدیریت و راهبری شده است. برای مثال شرکتی، پولی از خارج کشور آورده و بخشی از آن را در کارآفرینی شرکت‌های بورسی و همین‌طور بخش‌های استارت‌آپی سرمایه‌گذاری کرده است.

در زمینه خدمات و تولید موارد سرمایه‌گذاری دیده‌ایم که تلفیقی از منابع ایرانی و خارجی بوده و تیمی که سرمایه را به ایران آورده، عملا ایرانی بوده است.

پیش از بحران تحریم و لغو برجام، رویدادهای مختلفی در اروپا در صنعت نفت، پتروشیمی و... برگزار می‌شد و نشست‌هایی در اتاق بازرگانی وجود داشت که عمدتا برای معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ایران بود و اغلب آنها فرصت‌های کارآفرینی و نوآوری داشتند.

البته نکته خاصی هم اینجا وجود دارد؛ وقتی منبع سرمایه خارجی باشد، برای ریسک بازگشت پول، دولت ضمانت‌نامه‌ای می‌دهد یا بانک مرکزی و وزارت اقتصاد تضمین می‌دهند و با این کار احتمال از بین رفتن سرمایه بسیار کم می‌شود؛ ولی اگر سرمایه‌گذار با هویت ایرانی سرمایه‌اش را وارد ایران کند، به دلیل چالش‌هایی که سال‌ها قبل تجربه کردیم و در سال‌های اخیر هم داشتیم، با دخالت‌های نامناسب بخش‌های شبه‌دولتی یا به‌اصطلاح خصولتی، مزاحمت‌هایی برای کسب‌وکارها ایجاد می‌شود.

برای مثال وقتی کسب‌وکار رشد می‌کند، بعضا مجبور می‌شوند که در شرایط نامناسبی آن را واگذار کنند. به همین دلیل معمولا ایرانی‌های خارج از کشور با یک هویت بین‌المللی که شخصیت حقوقی در خارج از کشور داشته باشد، کار می‌کنند که اگر مشکلی برایشان ایجاد شود، حمایت قوانین تجاری میان دو کشور از طریق سفارتخانه و بخش‌های اقتصادی آن را داشته باشند.

درحال‌حاضر برای سرمایه‌گذاری در کارآفرینی شرایط چندان مناسب نیست. با مقررات ناکارآمد قیمت‌گذاری که در صنایع مختلف ازجمله غذا، دارو و گردشگری داشتیم، عرضه کالا و خدمات افت کرده است؛ هرچند دولت اصرار دارد علی‌رغم افزایش هزینه اقتصادی، با قیمت‌های دستوری این کار را انجام بدهد، اما در مقابل این کار باعث فرار سرمایه از بخش اقتصاد می‌شود و ظرفیت اقتصاد هم در بخش کارآفرینی شکل نمی‌گیرد.